



نشریه دانشجویان و طلاب انقلابی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی
سال اول / شماره اول / مهر ماه ۱۳۹۷

و یمن کربلاست

مختصر و مفید میگویم امروز عاشورای سال ۶۱ هجری و اینجا بیابان کربلاست، حسین (علیه السلام) تمام انسانیت و آزادی و عدالت و ایمان است که به قتل جهل و غفلت و دنیاطلبی مردمانی کشیده شد که دعوتش کرده بودند تا با او بیعت کنند و در سایه ی حکومتش روزگار بگذرانند اما اوضاع دگرگون شد و حسین (علیه السلام) شهید بی بصیرتی و عدم عمل به وظیفه ی کوفیان شد.

نام دیگری ندارد اسمش را هر چه میخواهید بگذارید امام زمان وقت به فجیع ترین و مظلومانه ترین شکل شهید می شود درحالی که عده ای در عراق و مکه و مدینه و... در خانه هایشان نشسته بودند و حسین (علیه السلام) هم حجت را بر همه تمام کرده بود و کسی نبود که نداند.

خوبی کربلا این بود که با تدبیر شیطان همه اقشار در عاشورا سهیم بودند: پیرمردانی که پیامبر را دیده اند و صحابی اند، آنان که علی را دیده اند آنان که میدانند حسین (علیه السلام) مظلوم واقع شده، شریح قاضی ها، فقهای قوم کوفه و عراق و شام و مکه و مدینه، اصل و نصب دار هائی مثل عمر ابن سعدایی و قاص، اشراف عرب و بزرگان قبایل، سیاست مدار هائی مثل شیبث ابن ربیع... ولی نهایت امر همه شان در زمره ی حیوانات بی اصل و نسبی مثل حرمه بودند

به راستی که عرصه ی کربلا تنها ظرفیتی بود که اوج شرافت انسانی را در زهر و حیب و بربر و عابس و نافع و مسلم به نمایش گذاشت و اوج رذالت انسانی را در شمر و خولی و عمر سعد و سنان و...

و هزار نکته ی باریکتر ز مو اینجاست که سلیمان صد خزائی و قبیله ی هانی بن عروه و تمام شیعیان و مسلمین بلاد اسلامی (که میدانستند امام قصد کوفه دارد و در خطر است) کاری نکردند، البته سلیمان بعد از عاشورا گریبان چاک داد ولی روز عاشورا که انسانیت و ایمان دین و هر آنچه شرافت است به سر نیزه رفت او در کنار حق نایستاده بود و کربلا و عاشورا تکرار نمی شود خیالمان راحت!!!

دیگر هیچ جای تاریخ انسانیت به لجن کشیده نمی شود همه اش در عاشورای ۶۱ تمام شد!!!

دیگر ممکن نیست کودکان بی گناه با تیرهای مرد افکن جنگی کشته شوند در حالی که تشنه و گرسنه و بی تاب و زیر ظلم و ستمند دیگر راه آب و غذا و دارو بر اطفال و زنان و پیرمردان بسته نمی شود دیگر در هیچ جای دنیا و هیچ جای تاریخ منبع غذا و حیات کودکان (کارخانه شیر خشک) را منهدم نمی کنند

هیچ جا دستگاه قدرت هیچ شاهزاده ای در زیر پرچم سبز لاله الا الله و به پشتوانه ی ثروت و قدرت خاک هیچ زمینی را به توبه نمی کشد هیچ جا مظلوم مردمی نیستند که بین مرگ با موشک، مرگ از گرسنگی و زیر بار ظلم رفتن، مرگ را انتخاب کنند ولی از عقایدشان دست نکشند

کشوری هم به نام یمن وجود ندارد اگر هم باشد هستند افرادی که دغدغه شان طهارت و نجاست و آداب تخلی باشد بالاخره مهم است که: الطهاره بالا حجار یا...

اگر هم باشد هستند افرادی که کشتی های غذا و داروی ارسال به یمن را با یک تلفن و با اشاره ی وزیر خارجه ی شیطان بزرگ برگرداند که مبدا کدخدا از ما ناراحت شود

راستی شیطان را فراموش کردم بالاخره اوهم پیشرفت کرده هر چند تکنیکش از ۱۴۰۰ سال پیش فرقی نکرده او هنوز هم کوفیان را از جنگ با لشکر عظیم شام می ترساند ترس هم دارد بالاخره ارتش اول دنیاست از حق نگذریم کمی هم تنوع به کارش داده مثلا قیمت دلار یا تحریم می شویم یا نه یا مثلا دوشنبه هامان



FATF

برجام دوم!

در دولت افغانستان به جرات می توان گفت: همین سازمان، عامل اصلی ورشکستگی اقتصادی دولت بوده است.

صفحه ۳



حکمت سوالی بزرگ از تاریخ حکمت و سوال هایی نرسیده...

مردمان کوفه نداریم با اعتماد به نفس فریاد می زنیم:

«ما اهل کوفه نیستیم، علی...»

آیا توانسته ایم از تاریخ عبرتی بگیریم برای روزگاری که در آن زندگی میکنیم...

امروز صفین برای ما یادگاری است از کوتاهی بی بصیرتان در یاری علی (علیه السلام) و فقط یادگاری نه کم و نه زیاد.

از خود نپرسیدیم: «آیا ممکن است که ما نیز در تکرار مظلومیت علی (علیه السلام) نقش داشته باشیم؟»

و تمام مظلومیتی که در تاریخ برای علی رقم خورد ریشه در نپرسیدن این سوال دارد.

اکنون وقت آن است تا با بررسی بزرگه های تاریخ در دوران امیرالمومنین (علیه السلام) دریابیم که اکنون وظیفه ما چیست؟ سوالی که گذشتگان نپرسیدند.

ما قصد داریم تا با بررسی نکات اساسی تاریخ جنگ صفین این مهم را رقم بزنیم

حکمت تراژدی تلخ تاریخ بود که چند بازیگر و صحنه گردان اصلی داشت: ابوموسی اشعری، عمرو عاص، علی (علیه السلام)، معاویه و سپاهیان شان که سیاهی لشکر بودند و از مهمترین نقش ها!

صدای فریاد تلخ تاریخ را از قلب کارزار صفین نه شنیده ایم و نه خواهیم شنید.

علی (علیه السلام) سر بر ستون خیمه صفین گریه می کند، اگر در این زمان صدای فریاد تاریخ را در صفین شنیدی، صدایش را نه در ۱۴۰۰ سال قبل بلکه در همین زمانه خواهی شنید.

و ما که سعی نکردیم تا از مطالعه تاریخ پلی بزنیم به زمانه خودمان اگر علی (علیه السلام) را در همین زمان ببینی ناله اش از جنس درد و دل با چاه نیست بلکه ناله ایست از جنس افسوس و دریغی است که نه فقط بر مردمان جاهل کوفه، بلکه بر جاهلان همه دوران می خورد چرا که تاریخ عرصه مسلم تکرار سنت های الهی است، و علی بر سر چاه بر جهالت امروز ما نیز می نالد و ما با وجود اینکه گاهی در جهالت دست کمی از

دانشگاه رضوی در برابر علوم سکولار چه کرده است؟!

● دانشگاه رضوی در برابر علوم سکولار چه کرده است؟!

● باید با مسائل زندگی و جامعه درگیر شد و تمامی پژوهش ها و پایان نامه ها را به سمت مسائل اصلی زندگی سوق داد.

● علم نسبت وثیقی با تحولات تاریخ دارد.



عکس آرشیوی بوده و متعلق به دانشگاه رضوی نیست.

دستمالی شده غرب است که حامل ارزشگذاری های سکولار میباشد که خاستگاه دینی ندارد بلکه بر اساس "اصالت انسان" و "نیست انگاری غیب" در اروپا شکل گرفت که ناظر به مسائل و مناسبات زندگی جامعه ی مدرن اروپا بود. ایده وحدت حوزه و دانشگاه اساسا تلاشی برای تحول در علوم انسانی شبه مدرن و وارد ساختن معارف توحیدی و فقه جعفری در نهاد علم و سیاست بود. به همین دلیل پرسش از علم را باید جدی گرفت. علم، چیست؟ آیا علم صرفا باور صادق موجه است؟ یا اینکه علم، عهده دار طراحی ساختارهای زندگی و سیاست شهر است؟ اگر علم را صرفا یک امر ذهنی انتزاعی برای قیل و قال ندانیم بلکه آن را موجودی زنده در مناسبات زندگی و تمدن بشر بدانیم، دیگر نمیتوانیم در گوشه ی حجره خود بنشینیم و به شکل جزیره ای صرفا به "مسائل محض" علوم بپردازیم. بلکه باید با مسائل زندگی و جامعه درگیر شد و تمامی پژوهش ها و پایان نامه ها را به سمت مسائل اصلی زندگی سوق داد و تلاش کرد که نخ تسبیح وحدت دینی را در میان رشته های علوم انسانی به ظهور رساند. این سخن بدین معناست که مسئله حقیقی را باید دریابیم. مسئله چیست؟ شبه مسئله چیست؟ چه چیزی در شکل و شمایل مسئله آمده است و ما را از پرداختن به مسئله حقیقی و رسالت علم در این برهه از تاریخ باز میدارد؟ باید شبه مسئله ها را دید و آن را نهیب زد چرا که شبه مسئله ها ما را اسیر پایان نامه ها و پژوهش های صوری کرده اند و روز به روز شکاف نظر و عمل را زیادتر کرده است. علم نسبت وثیقی با تحولات تاریخ دارد و اگر انقلاب اسلامی نقطه ی عطفی در دگرگونی تاریخ ماست، آیا علم نیز با این تحولات تاریخ، متحول گشته است؟ آیا دانشگاه رضوی تا کنون در باب تحول در علوم انسانی اقدام علمی درخوری کرده است؟ کفایت به انتشار کتاب و پایان نامه های دانشگاه سری برنیم. غالبا نگاه فرادانگار به دین و نداشتن بینش تمدنی و جامعه ساز منجر به این شده است که تنها به مسائل درون دینی و شاخه های محض هر رشته تحصیلی اکتفا شود. از این رو اگر تحولی در دانشگاه قرار است اتفاق بیافتد مهمترین تحول، همان تحول از نگاه فرادگرا به نگاه اجتماعی و تمدنی به علوم اسلامی است. اینکه رسالت علم صرفا پاسخگویی به شبهات نیست بلکه علم باید جریان توسعه و پیشرفت کشور را مدیریت کند تا شاهد اتفاقات ناگواری چون برخی اسناد تحمیلی سکولار بر فرهنگ و جامعه خود نباشیم.

دانشگاه علوم اسلامی رضوی! همان جایی که قرار است با پشتوانه علوم اسلامی پا به عرصه علم جدید بگذارد و در تولید علوم و جنبش نرم افزاری نقش بسزایی داشته باشد. قرار است به مثابه "دولت سایه" بازوی حاکمیت و ولایت فقیه باشد. اما چه کرده ایم؟

مگر چنین نیست که هنوز پرسش و پاسخ مسئله های علوم انسانی را از دل هویت اسلامی ایرانی درنبرداورده ایم و دانشگاه ما کماکان ترجمه های دستمالی شده غربی ها را مصرف میکند؟ به همین دلیل ما برای خودمان فکر نمیکنیم بلکه انگار همیشه پای یک مزاحم در میان است! مزاحمی از جنس علوم انسانی قرن نوزدهمی دست چندی که هویت اسلامی - ایرانی را از ما گرفته است! از این رو این مزاحم آمده است در خانه فرهنگ و فکر ما مسکن گزیده است و نمیگذارد برای مسائل خودمان بیاندیشیم!

اگر قیل از انقلاب اسلامی، به دلیل تنگناهای سیاسی و یا بسندگی به گوشه نشینی علم و عالمان، علوم اسلامی صرفا از زاویه دید "فردانگاره" مورد تامل و بررسی قرار میگرفت، حال زمان آن نرسیده است که علوم اسلامی ما پایه پای قدم های تاریخ بیاید؟ و دریچه نگاه خود را به وسعت مسائل کلان انقلاب اسلامی و جامعه پیچیده کنونی باز کند؟ چرا که دانشگاه رضوی نمونه بارز ایده وحدت حوزه و دانشگاه است و ادعایش این است که نه میخواهد صرفا یک حوزه علمیه فردگرا باشد و نه مثل دانشگاه، فریفته جذابیت زبان غرب گردد چرا که اگر قرار بود راه یکی از این دو نهاد علم را برود پس چرا اصلا این چنین دانشگاهی ایجاد شد؟ تاسیس دانشگاه رضوی و تمامی دانشگاه های مشابه آن در حقیقت نیاز تاریخی ما بود. به دلیل اینکه در سال ۵۷ با ظهور انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی شکل گرفت و پای احکام و ارزش های دین به عرصه سیاست و مدیریت زندگی ایرانیان باز شد. جمهوری اسلامی برای ادامه جریان خود با موانعی روبرو شد که مهمترین موانع آن، دانشگاه غریزه و اساتید سکولار و مادی گرا بود.

با گذشت زمان برخی متفکران اسلامی و همچنین حاکمیت دریافتند که مشکل جدی و فراگیر ما نه اساتید سکولار و نه بی نمازی دانشگاهیان بلکه مشکل اصلی دانشگاه، "اساس علوم و دانشگاه" است که باید مورد پرسش جدی قرار بگیرد. در میان اینهمه رشته های متنوع دانشگاهی، رشته های علوم انسانی متهم ردیف اول هستند. علوم انسانی موجود در دانشگاه ها تماما ترجمه کتب



سردبیر

سخن اول

● اولین شماره پلاک بالاخره منتشر شد. فراز و نشیب هایی که برای راه اندازی و رشد این نشریه طی شد، برای همه ما خاطره شده است. نشریه رشد کافی را داشته اما بازم جای اصلاح و گسترش دارد. بهترین گام هایی که پلاک برداشت، جذب و شناسایی نیروهایی بود که برای پلاک و برای ارتقای سطح فکری دانشگاه برداشته شد.

پلاک حاصل یک اتفاق خوب برای بسیج بود که هنوز هم بهترین اتفاق بسیج و دانشگاه به حساب می آید.

این روزها حوادث زیادی در کشور رخ داد. تصویب لایحه CFT بود که سر و صدای زیادی را در پی داشت. لازم است تا دانشجویان و طلاب از جزئیات این طرح آگاه شده و گفتمان سازی ویژه ای برای آن صورت گیرد. در این شماره به معرفی اجمالی آن پرداخته ایم.

در انتها امیدوارم این نشریه راهی باشد برای فتح باب مسائل فرهنگی و حل گره های فکری طلاب و دانشجویان و همچنین پلاک بتواند اصول و مبانی فکری ای را که بسیج ضامن آن است، ادامه دهد و شما مخاطبان عزیز همراه همیشگی پلاک باشید.

و یمن کربلاست...

سفید باشد یا چهره شهرمان با مشکي خوب نیست؟! شیطان حتی راهی است در شک به نطق حروف نماز شب مشغولمان کند!

میدانی چرا؟

چون ظلم جولان می دهد درعربستان آقائی میکند در واشنگتن و تل آویو و انسانیت هم در یمن سر بریده می شود و مردم در فکر این که: چه خورم صیف و چه پوشم شتا می ماند یک نماینده مثل مسلم بن عقیل (ولی فقیه) که دوره اش کرده اند و حرف هایش روی زمین مانده و یک امام که تا انسانیت سر بریده می شود و ظلم برای خودش آقائی می کند و شیعه ساکت و جامعه ی فقها(حوزه) در شک بین سه و چهار "او" نخواهد آمد

پس شیطان برای چه نگران باشد خیالش راحت است

درست مثل ۱۳۷۹ سال پیش

اکنون سال ۶۱ هجریست یمن برای خودش کربلائیست که در آن انسانیت و عدالت و حقوق بشر و... به دست ظلم و جهل سلاخی می شود و در میانه ی این میدان چقدر عاقبت حر بن یزید ریاحی را دوست دارم

می دانید چرا؟ چون تا جانی مسیر جامعه را تحمل کرد ولی وقتی دید واقعه جدیدست در کنار حق ایستاد و جنگید و درست همان لحظه ای که او می جنگید سلیمان داشت تدریسش را می کرد شرح قضاوت می کرد که مجازات سارق حدی چیست عده ای تجارت میکردند و عده ای تحلیل می کردند قیمت ها بعد از اتمام واقعه حسین(علیه السلام) پائین می آید یا نه و همه به زندگی خودشان مشغول بودند

حر مسیر آزادی را انتخاب کرد و همه مسیر زندگی شان را نه فقط امروز که کل زندگی عاشورائیست که ما هر لحظه انتخاب می کنیم به کدام مسیر زندگی کنیم و یمن کربلاست...

محمدرضا بیات

FATF برجسام دوم!

بچرخ تا بچرخیم!

خاطرات یک طلبه در اردوی تبلیغی کلات نادری
(قسمت دوم)



... با اینکه جلسه توجیهی قبل از اردو برگزار شد و مشخص بود که سرپرستی اردو برنامه مشخص دارد، اما اولین شب حضور در قله زو، دانستم که هیچ برنامه ریزی فرهنگی و تربیتی صورت نگرفته بود؛ برای همین به گروه های چند نفره تقسیم شدیم و هر گروه موظف شد در یک روستا ساکن شود. من نیروی سیار رسانه و همچنین مسئول رصد و ارائه گزارش نهایی بودم. پس از گروه بندی ها و تصمیم گیری ها، به مدرسه قله زو رفتیم و با استفاده از لوازم آنجا، مقداری محتوا و طرح نقاشی تکثیر کردیم. برادر بشیر سراجی طرح های جالبی از فعالیت های تربیتی برای کودکان داشت که با وجود مشکلات و کمبودها بالاخره توانستیم کاری انجام دهیم. ما هیچ برنامه ای برای کودکان نداشتیم. گویی اصلاً به محتوای تربیتی برای کودکان فکر نکرده بودیم و الله مددی آمده بودیم؛ زمانی این موضوع را فهمیدم که شوق استیضار کودکان روستا را در کنار دستان خالی خویش دیدم. کارشناس تربیتی نداشتیم و همچنین هیچ صاحب تجربه ای جز یک یا دو نفر. گفتند: «ما قبلاً یکبار آمده ایم به اینجا و تجربه داریم.» فکر میکردند منظورم از تجربه، آشنایی با پیچ های خطرناک و دره های عمیق یا آب و هوای سرد قله زوست! بله، ضرورت دانستن این موارد پوشیده نیست اما آیا تدبیری بود که برای کودکان چه ببریم و چه بخوانیم و چه بگوییم؟ با دستان خالی ابتکار نمودیم و بچه های آقداش را ساعتها به گرد هم نشاندیم. من خودم نیز در این قصور شریکیم که نتوانستیم انیمیشن و کارتون مناسب کودکان برایشان آوریم. تصور میکردم انیمیشن های جشنواره عمار برای این کودکان کافی است؛ اما نمیدانستم که نفوذ نرم فرهنگی دشمن در روستا (بخوانید صدا و سیما)، ذائقه آنها را به لاک پشت های نینجا و بره ناقلا تغییر داده! اما بازم ما پیروز شدیم. برادرقاسمی که روز آخر به یاری ما آمد، انیمیشن ها و فایل های تربیتی بزرگ و متنوعی با خود آورد. انیمیشن «بچرخ تا بچرخیم» کاری از سازمان انقلابی اوج (سپاه)، به گونه ای کودکان آقداش و قله زو را میخکوب قوه رسانه خود ساخت که من نیز لحظه ای در کنار کودکان و نوباوگان محو تماشا شدم؛ ای کاش امثال برادر قاسمی نیز به این اردو فراخوانده میشدند نه امثال من!

ادامه دارد...

ع.ع



نهان این سازمان مالی در زمینه اقدام علیه تروریسم کمی عجیب و دور از انتظار بود. اما هنگامیکه به کشورهای مسلمان که عضو در این سازمان بوده یا بعداً بدان ملحق شده اند، نظر می افکنیم می بینیم این سازمان توانسته با رهگیری حساب های شخصی افراد ذی نفوذ در جهان اسلام، ارتباطات مالی شان را قطع کند و در دولت افغانستان به جرات می توان گفت: همین سازمان، عامل اصلی ورشکستگی اقتصادی دولت بوده است. اما القاعده و طالبان راحت به فعالیت های خود همچنان با وجود سازمان ادامه می دادند. مگر در FATF چه مساله ای وجود دارد که می توان آن را عامل ورشکستگی برخی دولت ها قلمداد کرد؟

ایرادات اف ای تی اف:

این معاهده که در سازمان مبارزه ی مالی با پولشویی و تروریسم به امضای ۳۷ کشور عضو سازمان ملل متحد رسیده است، دارای ۱۲ عضو اصلی است که حق تفسیر بندها و اصول این معاهده را دارند که در این میان اسامی کشورهایی چون "ایالات متحده آمریکا، انگلستان، روسیه، اسرائیل، چین، فرانسه و..." به چشم می خورد. مشکل دوم این معاهده این است که در بندهای ابتدایی یکی از وظایف سازمان را شناسایی، تعقیب و دستگیری مجرمان و افراد مشکوک به فعالیت های تروریستی معرفی می کند. اصلاً قصد ندارم که در این مقاله ی مختصر، به بندهای سراسر ایراد FATF بپردازم. اما خود شما خواننده ی محترم قضاوت کنید که اگر مساله ای اختلافی بین ایران که این معاهده را تصویب کرده و سازمان FATF به وجود آید، اسرائیل به نفع ما رای خواهد داد؟ حال چطور دولت و نمایندگان مجلس که موافق تصویب این خیانت نامه هستند، می خواهند به ملت ایران ضمانت بدهند؟

محمد رضا نسیمی

از فروردین ماه امسال، می توان شروع یکسری از تحریم های دولت ایالات متحده آمریکا علیه ایران را بررسی کرد. می توان به این نتیجه رسید که ترامپ با وضع تحریم های بانکی برخلاف عهدنامه ی برجسام سعی در ایجاد تنشج در سیستم بانکی اقتصادی ایران را دارد. حال در همین اوضاع واحوال است که صدای یک قرارداد بین المللی که توسط وزیر اقتصاد و دارایی سابق امضا شده بود، بلند می شود و فضای مملکت را متشنج می کند. این قرارداد همان FATF است. پیمان مبارزه مالی با پولشویی و تروریسم که در بدایت امر، سازمانی مفیدافیده برای کشورهای عضو به نظر می رسد، اما حقیقت ماجرا ظاهراً پنهان است.

حقیقت سازمان اف ای تی اف:

گروه ویژه ی مالی (در پولشویی) که به اختصار FATF نامیده می شود، یک سازمان بین دولتی است که در سال ۱۹۸۹ با ابتکار G7 با نگرش به پولشویی بنیاد شده است. این سازمان در سال ۲۰۰۱ به کارزار مبارزه با تروریسم تبدیل شد. اما همین عدد ما را نگران میکند. سال ۲۰۰۱ میلادی دقیقاً سالی است که برج های دوقلوی آمریکا یا بهتر بگوییم که به قول آمریکایی ها "مرکز تجارت جهانی" در ۱۱ سپتامبر مورد حمله قرار گرفت. از همین نقطه بود که آمریکا به عراق و افغانستان حمله ور شد. اما ارتباط بین این دو چیست؟ آیا رازی در پس پرده ی برج های دوقلو FATF وجود دارد؟

رازهای اف ای تی اف:

اینکه در سال ۲۰۰۱ میلادی حقیقتاً چه اتفاقی برای آن برج ها افتاد را تاریخ قضاوت نکرده است، اما با اندک تاملی در جنگ های آمریکا می توان حداقل به این نتیجه رسید که بهانه ای بوده است برای حمله به کشورهای خاورمیانه یا بهتر بگوییم ایجاد پایگاه های نظامی اطراف ایران که مهم ترین دشمن آمریکا در منطقه محسوب می شود. پای





شهید حشمت الله رضایی
دانشجوی دانشگاه رضوی

وقتی بدن بی سرش را برای تشییع آوردند ...
فهمیدند چرا توی وصیت نامه اش نوشته بود:
"ای کاش قطعه پیام آغشته به خونی می بودم
که هر کس به من نظاره می کرد بر مظلومیت پسر
زهر (س)، حسین (ع) بگرید."

مادرش هم جسدش را در آغوش کشیده بود و می
گفت:

"پسرم مثل امام حسین (ع) جان داد و سرش را به
اسلام و رسول خدا (ص) هدیه کرد."

شهید حشمت الله رضایی
ولادت ۴۵/۱۰/۳ محمودآباد
شهادت ۶۵/۱۰/۴ سلمچه

حکیمت سوالی بزرگ از تاریخ

ادامه...

پرده اول: ابوموسی اشعری
یکی از مسائلی که شاید برای دوران ما بسیار
مفید باشد نقش ابوموسی اشعری در ماجرای
حکیمت است، در واقع مسئله ای که ما به اشتباه
ریزگی عمروعاص معرفی کردیم اما ابوموسی که
بود؟ اگر اسیر تحلیل های دانی جان ناپلئونی
نشویم و او را نفوذی در بین جبهه حق نخوانیم
بی شک او بی بصیرت ترین قوم خودش بود.
شخصیتی که به دنبال جلب نظر عمومی بود و
لباس دین را انتخاب کرد تا در منظر عموم
متدین، مورد اعتماد و باهوش جلوه کند و کار را
به جایی رساند که عده ای گفتند: "سطح فهم او
از تمام ما بیشتر است" و او را از علی (علیه
السلام) دین دار تر خواندند و دلسوزتر دانستند
راستی چه کسی از امام جامعه دلسوز تر است
؟؟

کوتاهی و سهل انگاری ابوموسی و به عبارت

دقیق تر اعتماد بی جایی است که ابوموسی به
طرف مذاکره کننده داشت و پویایی و تحلیلی
مندی اذهان آنجا نمایان خواهد شد که: "آیا
ممکن است در زمانه ما طرف مذاکره کننده با
اعتماد بی جایی که به طرف مقابل دارد
حکیمتی دوباره را رقم بزند؟" و این مسئله
چنان واضح و روشن است که یکی از اعضای
تیم مذاکره کننده ما می گوید:

«من با جو بایدن رفیق هستم وبا او هم
دانشگاهی بودیم» درست مانند این است که
ابوموسی اشعری بگوید:

«عزیزان من با عمروعاص از قبل آشنایی دارم و
او انسان درستکاریست»

در مذاکرات هسته ای و FATF و... ما صرفا با
مذاکره مشکلی نداریم بلکه مسئله اصلی این
است که تیم مذاکره کننده در دشمنی آمریکا
با ما تشکیک کند و اعتمادی بی جا نسبت به
آمریکا داشته باشد. **ادامه دارد...**

عرفانی تبار

دانشگاه رضوی در برابر علوم سکولار چه کرده است؟!

ادامه...

بود و باید عقبه ای از جریان علم دینی به مثابه
بازوی قدرت سیاسی قرار بگیرد. چرا که علم دیگر
صرفا یک انتزاع ذهنی نیست بلکه علم عهده دار
سیاست و جامعه است. و از این رو سیاستمداران
برای حل مشکل سیاست و مدیریت اجرایی کشور به
جای اینکه سلیقه ای و حزبی عمل کنند، نیازمند
عقبه ای از علوم انسانی بومی هست که مسائل آن
در دانشگاه هایی چون دانشگاه رضوی مورد تحقیق و
گفتگوی علمی قرار بگیرد تا منصرف قوام بخش
فرهنگ و دین جامعه در سطح دولت و حاکمیت
باشد.

نمیشود انقلاب اسلامی از سویی مدعی ترویج
فرهنگ و شریعت اسلام باشد اما از سویی تمامی
ظاهر و باطن و کتاب و دانشجو و استاد و
ساختارهای اجتماعی اش مروج فرهنگ لیبرالیستی
خداناباور باشد؟ آیا این تناقض نیست؟ روانشناسان و
جامعه شناسان ما در مقام توصیف و داور و توصیه
علم، ایدئولوژی و فرهنگ لذت پرستی غرب را ترویج
دهند اما از سویی نماز بخوانند و سجده بر ساحت
ربوبی حضرت الله کنند؟ کدام را باور کنیم؟ علمی
که برای حل مشکلات جامعه ابایی ندارد که دین را
به زیر تیغ نقد و انکار ببرد و دین را به آخرت تحویل
دهد و در عرصه کاربردی و زندگی انضمامی دنیایی
آن را به هیچ انگارد و از سویی پیرو مکتب معصومین
باشد؟

بنابراین لازم است که در برابر این هجمه از علوم
سکولار خود را با ارتقا بینش دینی از نگاه فردانگار
به نگاه اجتماعی و سیاسی دین، جریان مدیریت علم
را بیش از پیش جدی بگیریم و دانشجویان را به
سمت مسائلی سوق دهیم که در آن تولید نظریات
علوم انسانی مبتنی بر نگرش دینی به منصف ظهور
برسد.

علیرضا احمدی

اگر جریان سیاسی حاکم بر مدیریت اجرایی کشور
اشتباه میکند و میرود در عرصه های اقتصادی و
فرهنگی یا کدخدا میندند باید پاسخگوی فرهنگ و
اقتصاد کشور باشد اما آیا صرفا آنان باید پاسخگو
باشند؟ آیا نهاد علم نباید پاسخگو باشد که نتوانسته
بر اساس فرهنگ بومی تولید نظریه کند؟ اگر مقصر
حقیقی، نهاد علم و کیفیت علم اندوزی ماست که با
دین جاودانه ما همخوانی ندارد، پس چرا بحث های
علوم انسانی اسلامی در حوزه و دانشگاه ها کمتر
جدی گرفته میشود؟ چرا مشکلات زندگی را صرفا به
مسئولین ارتباط میدهیم؟ آیا "علم" و "نهاد علم"
نباید مورد بازخواست قرار گیرد؟ آیا نباید
ساختارهایی که علوم دستمالی شده، آن را راهبری
میکند مورد پرسش قرار داد؟ از این رو سیاست
وامدار علم است و مسئولین هم مجری نظریات
علمی.

اگر حوزه و دانشگاه بر اساس نگاه "مدیریت علم"
حرکت میکرد شاهد بسیاری از نزاع های سیاسی بر
سر چالش های توسعه غربی نبودیم. چرا که اغلب
مواقع به دلیل فقدان تولید نظریات برای پیشرفت
ایرانی اسلامی، مسئولین برای مدیریت کشور از
اسناد بالادستی اروپایی برای حرکت سازمانها و
نهادهای فرهنگی استفاده کرده و میکنند. و
اینجاست که انگشت اتهام بیش از آنکه به سمت
مسئولین اجرایی کشور باشد، متوجه مسئولین نهاد
علم هست که هنوز آن چنان که باید عرصه
کارکردی حاکمیت را از نظریات کاربردی بومی پر
نکرده اند.

نادیده انگاشتن و یا سهل پنداشتن این چالش های
اساسی و بنیادین و سرگرم شدن به مسائل روزمره و
دعواهای سیاسی نه تنها مشکل را برطرف نمیکند
بلکه به طور غفلت زا صورت مسئله را تنها پاک
میکند. مسئله ای که چه بخواهیم و چه نخواهیم،
چه زود و یا دیر باید در جستجوی پاسخ صحیح آن

follow Pelak_pub

صندوق ارتباط مستقیم با ریاست دانشگاه یکی از خبرهای خوشی
بود که اخیراً شنیدیم.
حضور هفتگی جناب شبیری در نماز مسجد دانشگاه نیز زمینه
ارتباط چهره به چهره بیشتر با دانشجویان و طلاب را فراهم کرده
است. حضور مدیر یک مجموعه در متن حوادث و وقایع، میتواند
مشکلات و نواقص موجود را بهتر و زودتر حل کند.
مجموعه پلاک از این اقدام ریاست محترم تقدیر می نماید.

بسیج دانشگاه رضوی را دنبال
کنید:

@Basij_razavi
(اینستاگرام و سروش)

مدیر مسئول: محمدرضا بیات
سردبیر: علی صادقی

هیئت تحریریه: سیدهدانی صابری، سید امیرحسین هاشمی،
محمدرضا نسیمی، محمدرضا بیات، سجاد احمدزاده محمد
عرفانی تبار، علیرضا احمدی

صفحه آرا و گرافیک:
علی صادقی

نشریه دانشجویی پلاک

گازنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
رسانه دانشجویان و طلاب انقلابی
صاحب امتیاز:
بسیج دانشگاه علوم اسلامی رضوی

@pelak_pub



اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید